

خاتمی به فکر خروج از جهنم

گزارش ویژه صراط پیرامون سید اصلاحات

تشخیص مصلحت، ساکت ایام تعب!
دبیر

معاون اول معزول،
دلخوش به کاندیداتوری

” یامن می آیم یا خودم “!

ارشادی برای «وزارت ارشاد»

پهلوان پنبه ای بنام «CIA»

Serabnews.ir



باهم دوست باشید!

سر مقاله؛

ها در ارتباط با التهابات موجود پیرامون جلسه طرح سوال، می بایست نمایندگان ملت و دست اندرکاران دولت را به خویشتن داری و پرهیز از طرح موضوعات حاشیه ساز و تنش زا دعوت کرد.

چراکه با توجه به حساسیت دوره کنونی و نزدیکی به ایام انتخابات و با پیروی از منویات رهبری انقلاب پیرامون لزوم آرامش فضای کشور، می باید منطق و مصلحت را در گفتار و رفتار طرفین مشاهده نمود.

فلذا امید آن می رود که چنین مواردی با توجه به سعه صدر مسئولان و دلسوان نظام ختم بخیر شده و مقدمات تعالی کشور فراهم آید.

■ فضای کشور روز به روز به سمت انتخاباتی شدن پیش می رود و گفتگوها و تحلیل های سیاسی در این باب بیش از پیش خودنمایی می کند.

در این بین اما نگرانی های پیرامون تنش های اخیر در کشور وجود دارد که تصویب طرح سوال از رئیس جمهور بعنوان یکی از مهمترین این دل مشغولی ها بشمار می رود.

از این رو می توان جلسه اخیر دیدار نمایندگان مجلس با رئیس دولت را در همین راستا ارزیابی نمود.

با توجه به حساسیت موضوع و پیش بینی

نظامی گری کرده و در کشورهایمانند افغانستان حضور پیدا می کند و به دنبال پترائوس که آن زمان فرمانده نیروهای آمریکایی در افغانستان بوده، پادگان به پادگان راه می افتاده است.

حال آیا سیا هیچ نیروی در چنته نداشته که به ریاست یک فرد چهارستاره نظامی تن در دهد؛ نیرویی که تنها افتخارش کشتار مردم افغانستان بوده و شکست های مکرری که از القاعده متحمل شده است.

اگر به سیر زندگی روسا و مدیران سابق سیا نگاهی بیندازیم فراوان از این گونه افرادی که تنها با

روحیه وحشی گری بر مسند نشسته اند مشاهده می کنیم.

این تنها سیا نیست که به مدد وحشی گری های نیروهایش می تواند

خود را مخوف و پیچیده

جلوه دهد، سازمان هایی مانند کا گ ب و موساد نیز از حربه های غیرانسانی برای مخوف و پیچیده نشان دادن خود استفاده کرده است و نمونه بارز نیروی موسادی را در شخصیت تزیینی لیونی می توان سراغ گرفت که حتی با کثیف ترین حربه می خواسته حریفانش را از دور خارج کند.

■ آنچه به نظر می رسد تمام قدرت پوشالی و ظاهری سازمان اطلاعاتی و امنیتی سیا بیشتر به قدرت مالی این سازمان وابسته است و هرگز نتوانسته نیروهای زبده و نخبه را با خود همراه کند.

به گزارش صراط، قدرت مالی بیشتر این سازمان که از طریق صاحبان کارتل ها و تراست های بین المللی و بودجه کلی ایالات متحده آمریکا تغذیه می شود باعث شده تا این سازمان بتواند با صرف بودجه های هنگفت برای خودش یال و کوپالی دست و پا کند و ظاهری هراسناک از خود نشان دهد.

این در حالی است که هر سازمانی که به اندازه سازمان سیا بودجه داشته باشد ولو اینکه در دورافتاده ترین و محروم ترین کشور دنیا واقع شده باشد می تواند هیتی به هم بزند و نعره مستانه ای را به سراسر دنیا بپراکند.

نیروهایی که سیا می تواند با خود همراه کند نخبه ترین شان را در وجود افرادی مثل پترائوس می توان مشاهده کرد که با اینکه در رأس سازمانی مهم قرار گرفته بود اما در مقابل یک نفوذی و یک زنی که روحیه نظامی گری اش او را سال ها از خانواده دور می کرده است زانو زد.

پائولو برادو حدود ده سال با نیروهای نظامی آمریکا همکاری کرده و با اینکه شوهر و دو بچه داشته اما خود را اسیر

پهلوان پنبه ای بنام «CIA»

آیا سیا مخوف ترین سازمان است؟

◀ مروری بر گذشته و سابقه سازمانی که گفته می شود مخوف ترین سازمان اطلاعاتی دنیا است تبیین می کند که این سازمان بر خلاف آنچه که تبلیغ می شود پیچیدگی خاص نخبگی و پختگی اطلاعاتی و امنیتی را به همراه ندارد.



معاون اول معزول، دلخوش به کاندیداتوری

حکمی که نباید از یاد برد

چهره جنرال آفرین چند سال اخیر ایران ۵۲ سال پیش در یکی از روستاهای اطراف رامسر متولد شد. وی تا قبل از حضور احمدی نژاد در شهرداری چهره برجسته و شناخته شده ای در سطح کشور محسوب نمی شد، اما با حضور احمدی نژاد در مسند ریاست شهرداری پایتخت ، او هم در جایگاه رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران قرار گرفت و بعدها در دولت نهم زیر سایه سکوتی پرمعنا که بعدها دلیل آن روشن تر شد، ریاست سازمان میراث فرهنگی را عهده دار شد.

اما این پایان ماجرا نبود چرا که شروع دولت دهم با اتفاقی همراه شد که او را تا به امروز به یکی از شخصیت های چالشی و مشکل زا در عرصه سیاسی کشور مبدل کرده است.

در تیرماه سال ۱۳۸۸ درست در شرایطی که مردم در مواجهه با فتنه انگیزی دشمنان نظام به بهانه انتخابات بودند ، رئیس جمهور حکمی را برای اسفندیار رحیم مشایی امضا کرد، تا از آن پس او نفر دوم عرصه مدیریت اجرایی کشور شود.

با این انتصاب پرابهام موجی از اعتراضات و نارضایتی های مردمی فضای سیاسی کشور را فرا گرفت و توده های حامیان احمدی نژاد به شیوه های مختلف شکوه هایشان را به گوش رئیس جمهور می رساندند، ولی گویی رئیس دولت به دلایلی نامعلوم بنا نداشت صدای مردم را بشنود و همچنان بر این انتصاب پربحث پافشاری می کرد.

سرانجام رهبر معظم انقلاب در ۲۷ تیرماه سال ۱۳۸۸ با صدور حکم حکومتی خطاب به رئیس جمهور اعلام فرمودند:



چند روز بعد از انتشار نامه رهبر معظم انقلاب ، مشایی طی نامه ای به رئیس جمهور استعفایش را اعلام داشت تا شاید بتواند قسمتی از فشار افکار عمومی نسبت به خویش را خنثی سازد.

بسمه تعالی
جناب آقای احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
با سلام و تحیت انتصاب جناب آقای اسفندیار رحیم مشایی به معاونت رئیس جمهور بر خلاف مصلحت جنابعالی و دولت و موجب اختلاف و سرخوردگی میان علاقمندان به شماسست .لازم است انتصاب مزبور ملغی و کان لم یکن اعلام گردد.

سید علی خامنه ای
چند روز بعد از انتشار نامه رهبر معظم انقلاب ، مشایی طی نامه ای به رئیس جمهور استعفایش را اعلام داشت تا شاید بتواند قسمتی از فشار افکار عمومی نسبت به خویش را خنثی سازد. اما این پایان نقش آفرینی های مراد رئیس دولت نبود ، چرا که بعد از اجرای عزل وی از معاون اولی، احمدی نژاد برای پدر عرووشش بیش از ۱۶ حکم مسئولیتی صادر کرد و در ادامه سریال این رفتارهای عجیب سکانس هایی بود که حامیان دیروز احمدی نژاد را بهت زده تر می کرد.

در شرایطی که مشایی هزارچندگاهی با یک اظهار نظر جنجالی، خوراک رسانه های ضدانقلاب را فراهم می ساخت که آرامش را از فضای جامعه سلب می کرد مردم منتظر بودند رئیس جمهور منتخب و انقلابی سال ۸۴ به خط انحرافی پدر عرووشش پایان دهد، اما در کمال ناباوری احمدی نژاد در یک کنفرانس خبری آب پاکی را روی دست مردم ریخت و صراحتا گفت که نظرات او و مشایی منطبق بر هم است. حالا با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری یازدهم گمانه زنی ها برای معرفی یک فرد از طرف دولتی ها قوت گرفته است.

در خصوص مصدایق احتمالی این انتخاب از افرادی چون نیکزاد، صالحی، الهام و .. یاد می شود، اما عده ای که به رفتارهای غیرقابل پیش بینی احمدی نژاد اشراف بیشتری دارند، معرفی اسفندیار رحیم مشایی بعنوان کاندیدای دولت را دور از ذهن نمی دانند، چرا که تنها گزینه ای که احمدی نژاد برای او حاضر است هر هزینه ای را حتی در بالاترین سطوح پردازد اسفندیار رحیم مشایی است. - براسستی این احتمال تا چه میزان به وقوع نزدیک است؟
- آیا در صورت کاندیداتوری مشایی، صلاحیت وی از سوی نهادهای نظارتی تایید می شود؟

- کسی که رهبر معظم انقلاب با اشاره به واکنش مردم، حضور او در جایگاه معاون اولی را به مصلحت نمی داند، استحقاق قرار گرفتن در راس قوه مجریه را دارد؟

- با توجه به طیف شناخته شده حامیان احمدی نژاد آیا مشایی می تواند سهمی از سبد آرای آنها داشته باشد؟

- زمزمه احتمال کاندیداتوری مشایی از طرف عده ای از حامیان دولت طبق نقشه جامعی برای انحراف افکار صورت می گیرد؟

در پاسخ به این سوالات هر نتیجه ای حاصل شود ، در شرایط فعلی کشور با تفکری در دولت مواجه ایم که مردم در شرایط مختلف واکنش هایشان را به دیدگاه های قابل بحث آنها ابراز داشته اند و روندی که بعد از ماجرای عزل مشایی در دولت مشاهده می شود زنگ خطری برای قاطبه ملت ایران محسوب می شود که با دقت تمام تحرکات سیاسی کشور را زیر ذره بین داشته باشند.

امید است با بصیرت افزایی پیرامون برخی اقدامات چراغ خاموش و پشت پرده حلقه انحرافی بتوانیم طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب شاهد برگزاری انتخاباتی با نشاط و پرشور باشیم و بدور از موج آفرینی ها و تاکتیک های مخرب و هیجان زای سیاسی، سرنوشت سیاسی کشور را برای ۴ سال آتی به درستی رقم بزنیم.



خاتمی به فکر خروج از جهنم

گزارش ویژه صراط پیرامون سید اصلاحات



◀ **نامش سید محمد است. شهرتش خاتمی است. اهل اردکان است و روزگارش بد نیست! طینتی سهل و ممتنع دارد. ظاهرالصلاح، مقبول و ساده دل می نمایاند اما توصیف باطن و آنچه در دلش می گذرد، سخت و تعب به نظر می رسد.**

کنند. ناگفته نماند که این نشریه پیشتر و از سال ۶۱ توسط شهید شاهچراغی و حسن منتظر القائم اداره می شد اما با پر کشیدن این دو در سال ۶۴ همفکران خاتمی تحریریه این مجلد را تماماً در اختیار خود گرفتند و کیهان فرهنگی را قرق کردند!

و اینگونه بود که ساختار فرهنگی کشور به دست سید محمد اردکان زاده افتاد! با رحلت بنیانگذار کبیر انقلاب، پرده تقید از چهره بسیاری افتاد و فرصت بیشتری برای ظهور و بروز اندیشه های متجددانه فراهم شد. در همین زمان ها بود که سید محمد، اندیشه رحیل از فرهنگ و ارشاد را در ذهن می پروراند؛ چراکه خیالات و آرزوهای بزرگ دیگری را در سر داشت چراکه مظلوفی همچون وزارت ارشاد، ظرفیت و گنجایش آمال او را نداشت.

و بدین صورت بود که پس از گذشت ۱۰ سال و به گفته خودش، «در پی بروز برخی اختلاف نظر ها با مسئولین ذی ربط فرهنگی، به نفع مردم سالاری و آزادی بیان» کنار رفت و عطای ارشاد را به لقایش بخشید!

اما این کناره گیری به عزلت نشینی منجر نشد؛ چراکه سید محمد ترجیح داد چند سالی را در کتابخانه ملی سپری کند و بطور همزمان بعنوان مشورت دهنده در دولت سردار سازندگی، حیاتش را ادامه دهد.

در همین اوان بود که یاران غار سید محمد در کیهان فرهنگی نیز غم هجرت را به جان خریدند و با استعقای دسته جمعی، تشکیلات ایدئولوگ پردازی "کیان" یا به عبارت بهتر، "مجمع منورالفکران مبارز" را راه اندازی نمودند!

از افراد شاخص حلقه کیان می توان به آقایانی همچون؛ عبدالکریم سروش، ماشاءالله شمس الواعظین، رضا تهرانی و ... اشاره داشت.

از عمده بحث های مطروحه در نشست های این حلقه، ارائه تفاسیر نادرست از انقلاب اسلامی و تلاش در جهت نشان دادن چهره ای مرتجع و ناکارآمد از ساختار نظام حاکم در ایران بود. آنان با زبان بی زبانی و به شکلی تلویحی بر این امر اصرار داشتند که؛ در ساختار حاکمیت سیاسی کنونی جهان، اداره امور به شیوه فعلی، منسوخ و مردود شده و پاسخگوی به مطالبات جامعه حال حاضر ایران نخواهد بود.

ایشان هم چنین برای موجه نشان دادن نظریات خود، با استناد به سخنان، آراء و کتب شخصیت های نظریه پرداز غربی، کوشش داشتند تا اینگونه به اذهان مخاطبان خویش القا کنند که، مطالبشان جنبه علمی دارد! اما تلاش هم فکران سید محمد در

انتصاب سید محمد همزمان بود با عزیمت حضرت خمینی (ره) از نجف به پاریس. این تقارن موجبات آشنایی بیش از پیش سید محمد و امام (ره) را فراهم می آورد و باعث می شود که نهاد اسلامی هامبورگ به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) در اروپای میانه بدل شود!

دو سال پس از پیروزی نهضت اسلامی، علی الظاهر به اصرار همشهریان، بعنوان نماینده مردم اردکان و میبد به اولین دوره مجلس شورای اسلامی راه پیدا می کند.

در آبان ۵۹ به حکم بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی، راهی کوی شهید شاهچراغی می شود و بعنوان نماینده ولی فقیه در موسسه کیهان، سکان هدایت بزرگترین نهاد مطبوعاتی آن زمان را در دست می گیرد.

از سال ۶۱ سلطه ۱۰ ساله او بر فرهنگ و ارشاد کشور آغاز می شود و بستر را برای تحقق آمال دیرینه خویش مهیا می بیند!

دو سال پیش از سرنگونی رژیم آریامهر، با شهید مظلوم آیت الله بهشتی، آشنا می شود و سرانجام این قرابت، منجر به آن می شود تا دکتر بهشتی به سید محمد پیشنهاد دهد که زعامت مرکز اسلامی هامبورگ را عهده دار شود.

همزمان با ورود سید محمد به وزارت ارشاد، همقطارانیش در موسسه کیهان نیز اقدام به انتشار مجلدی بنام نشریه کیهان فرهنگی می

نامش سید محمد است. شهرتش خاتمی است. اهل اردکان است و روزگارش بد نیست! متولد ماه مهر است و سومین فرزند آیت الله سید روح الله خاتمی بشمار می رود. نقل است که پدر در جریان انتصاب پسر بعنوان وزیر ارشاد، خطاب به آیت الله خزعلی چنین می گوید: "خطرناک است؛ پسر من غریزه است!"

طینتی سهل و ممتنع دارد. ظاهرالصلاح، مقبول و ساده دل می نمایاند اما توصیف باطن و آنچه در دلش می گذرد، سخت و تعب به نظر می رسد.

مشق فلسفه کرده و در عوالم دیگری سیر می کند. در سنه ۱۳۴۴ شمسی عزم اصفهان کرده و فلسفه جدید را پی می گیرد.

طی جریان دانشجویی، مستحق به دریافت بورس برای ادامه تحصیل در مدینه آرزوهایش، آمریکا می شود؛ اما دست تقدیر، وصال سید محمد و ایالات متحده را به تأخیر می اندازد!

پس از اتمام رشته فلسفه جدید، همزمان با خدمت وظیفه در ارتش شاهنشاهی، از سوی دانشگاه تهران پذیرفته می شود؛ اما در میانه راه، طریق حوزه در پیش می گیرد و زی طلبگی بر تن می کند.

دو سال پیش از سرنگونی رژیم آریامهر، با شهید مظلوم آیت الله بهشتی، آشنا می شود و سرانجام این قرابت، منجر به آن می شود تا دکتر بهشتی به سید محمد پیشنهاد دهد که زعامت مرکز اسلامی هامبورگ را عهده دار شود.

و اینگونه بود که سید محمد خاتمی، برای اولین بار پای به مدینه فاضله اش نهاد و طعم شیرین حضور در باختران را چشید!

مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری آن زمان، تنها به تشکیل حلقه کیان منتج نشد. در همان سال ها بود که حلقه سلام نیز با حضور فردی همچون عباس

خاطر، هر مطلبی را که می خواستند در روزنامه ها و مجلات خودی به چاپ می رساندند. آنها از شعار مردم سالاری دینی، فقط بخش اول آن را درک کرده بودند و



سید محمد اما فرد
دوراندیشی بود و با تأسیس "بنیاد باران" و نیز "بنیاد گفتگوی تمدن ها" در دوران ریاستش، شغل آتی خویش را پیش از واگذاری ریاست جمهوری، تعیین نمود!
خامی اما نیم نگاهی هم به انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری داشت، اما پیروزی محمود احمدی نژاد، تمام امیدهای سید محمد را به یأس تبدیل کرد!

عبدی شکل گرفت. زمان به سرعت می گذشت و سید محمد نیز به دوم خرداد ۷۶ نزدیکتر می شد. اواخر سال ۷۵ بود که سید محمد، بازم بنا بر اصرار و تمای دوستانش (!) وارد کارزار انتخابات ریاست جمهوری هفتم شد و یک تنه در برابر علی اکبر ناطق نوری، رئیس قوه مقننه ایستاد و نهایتاً پیروز شد.

خامی اردکانی پس از پیروزی در انتخابات، درون پوسته نمی گنجید و از اینجا بود که سید محمد سابق به سید خندان اصلاحات، تغییر نام داد! از این زمان بود که عبارات عوام پسندی چون؛ جامعه مدنی، مردم سالاری، آزادی بیان، گفتمان دموکراسی و ... به وفور از زبان سید خندان اصلاحگر و ایضا اعوان و انصارش شنیده می شد. با روی کار آمدن دولت اصلاحات، روزنامه ها و نشریاتی خلق الساعه وار و زنجیره ای، در سطوح گسترده و در میان مردم توزیع می شدند.

از این زمان بود که عبارات عوام پسندی چون؛ جامعه مدنی، مردم سالاری، آزادی بیان، گفتمان دموکراسی و ... به وفور از زبانی سید خندان اصلاحگر و ایضا اعوان و انصارش شنیده می شد.

بود و انتخاب مجدد مردم همان سید محمد سابق بود.

اما گویی سید محمد در دور دوم حضورش در پاستور، دیگر شور و فتور سابق را نداشت و با تکرار مکرر عبارت «لایمی گذارند!» سعی داشت قصور و تقصیر در عملکردش را بر گردن سایرین بیاندازد!

و این چنین بود فضای ۸ سال اصلاحات ... مردم در این ۸ سال دریافتند که چگونه می توان در لفاقه آزادی و حقوق اجتماعی و دموکراسی، عکس و نقیض آن رفتار نمود.

سید خندان اصلاحات همچنین رکورد "هر ۹ روز یک بحران" را در دوران زمام داری اش به ثبت رساند که مواردی همچون "فائله ۱۸ تیر ۷۸" و "تحصن نمایندگان تجدیدنظرطلب" و الی ماشاءالله؛ تنها گوشه ای از حاشیه های دولت دوم خرداد بشمار می روند.

سید محمد اما فرد دوراندیشی بود و با تأسیس "بنیاد باران" و نیز "بنیاد گفتگوی تمدن ها" در دوران ریاستش، شغل آتی خویش را پیش از واگذاری ریاست جمهوری، تعیین نمود!

خامی اما نیم نگاهی هم به انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری داشت، اما پیروزی محمود احمدی نژاد، تمام امیدهای سید محمد را به یأس تبدیل کرد!

زمان می گذشت و موسم برگزاری انتخابات دهم ریاست جمهوری نزدیکتر می شد. سید محمد مصمم بود تا بازم به اصرار و خواهش دوستانش (!) در انتخابات شرکت کند؛ اما جمله معروف او بدین مضمون که: «یا من می ایم یا موسوی» علی الظاهر، مانع از حضور وی در رقابت انتخاباتی دهم شد.

نتیجه انتخابات دهم قوه مجریه، نشان از رای اعتماد مجدد مردم به محمود احمدی نژاد می داد، اما دگراندیشان نسبت به نتایج معترض بودند.

و اینگونه بود که فضای کشور متشنج شد و ابر فتنه بر آسمان ایران سایه گسترده!

پس از مدتی اعتراضات نسبت به نتایج انتخابات، رنگ دیگری به خود گرفت و اغتشاش جایگزین اعتراض گردید! اما بزرگان جریان معترض موضع شفافی در قبال اینگونه مسائل اتخاذ نکردند و سکوت را برگزیدند.

در این میان و پس از گذشت دو سال از انتخابات ۸۸ سید محمد با شرکت در رأی گیری انتخابات مجلس نهم، به نوعی از سایر دوستانش براثت جست، اما آیا برآستی می توان با شرکت در انتخابات قوه مقننه، تمام گذشته را به فراموشی سپرد؟!

جناح تجدید نظر طلب و ایضاً بزرگانشان می باید ضمانتی معتبر برای بازگشت به فعالیت های درون نظام ارائه دهند؛ نه اینکه به شکلی طلبکارانه خویش را از تمامی ابهامات و اتهامات تبرئه کنند و میرا بدانند!

اگر چه این نکته را نیز می باید در نظر داشت که جناح دوم خرداد و ایدئولوژی اصلاحات در جریان ۸ سال سکان داری قوه مجریه، امتحانش را پس داده است. فلذا آزموده را دوباره آزمودن خطایی نابخشودنی و غیر قابل جبران خواهد بود.

با رحلت بنیانگذار کبیر انقلاب، پرده تقید از چهره بسیاری افتاد و فرصت بیشتری برای ظهور و بروز اندیشه های متجددانه فراهم شد. در همین زمان ها بود که سید محمد، اندیشه رحیل از فرهنگ و ارشاد را در ذهن می پروراند؛ چراکه خیالات و آرزوهای بزرگ دیگری را در سر داشت چراکه منظرفی همچون وزارت ارشاد، ظرفیت و گنجایش آمال او را نداشت.



۴ سال از دولت سید محمد بر همین منوال گذشت و انتخابات هشتم ریاست جمهوری فرا رسید. اشک تمثال (!) سید خندان اصلاحات در یکی از فیلمهای تبلیغاتی، شگردی بود که از طرف دگراندیشان پیگیری و اجرا شد و درنهایت نیز چنین ترفندی کارساز

ژورنالیست های اصلاح طلب، با در دست داشتن قدرت و حاکمیت جمهوری و با استفاده از امتیازات حزبی که توسط دولت منتخب بدان ها داده شده بود، دیگر هیچ مانعی را بر سر راه اهداف خود نمی دیدند و بی ابا و با آسودگی

دیر تشخیص مصلحت، ساکت ایام تعب!

نگاهی بر تلاشهای چند باره رضایی برای رئیس جمهور شدن

◀ بد نیست این نکته را یادآور شد که محسن رضایی میرقائد پس از انتخابات ریاست جمهوری در یکی از مکاتبات صورت گرفته اش با شورای نگهبان که در اوج درگیری ها و اغتشاشات صورت گرفته خطاب به آیت الله جنتی خاطر نشان کرد ...

اسلامی و شناخت کامل از سلامت برگزاری انتخابات چگونه به خود اجازه دادید در شرایطی که بیگانگان مشغول اجرای یک فتنه از پیش طراحی شده در کشور بودند با نامه نگاری به شورای نگهبان و استفاده از واژه های تقلب، جعل و ... با آنها همراه شوید؟

البته محسن رضایی هیچوقت به این سوال پاسخ نداد که آیا با اعتراض به نتایج انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به دنبال تغییر نتایج آرای کمتر از دو درصدی اش بوده و یا هدف دیگری را در سر می پروراند است؟

بد نیست این نکته را یادآور شد که محسن رضایی میرقائد پس از انتخابات ریاست جمهوری در یکی از مکاتبات صورت گرفته اش با شورای نگهبان که در اوج درگیری ها و اغتشاشات صورت گرفته خطاب به آیت الله جنتی خاطر نشان کرده که بر اساس برآوردهای صورت گرفته بین ۵/۳ تا ۷ میلیون و یا تا ۹ میلیون رای داشته است!

محسن رضایی پس از حماسه ۹ دی و برخورد کوبنده مردم با آشوبگران و محکومیت اقدامات میرحسین و کروبی نیز بیکار ننشسته و در نامه ای سرگشاده! خطاب به رهبر معظم انقلاب

نوشت: "عقب نشینی آقای میر حسین موسوی از انکار دولت آقای احمدی نژاد و پیشنهاد سازنده ایشان به اینکه مجلس و قوه قضاییه به وظایف قانونی خود در قبال پاسخگو کردن دولت عمل کنند، هر چند دیر هنگام بود ولی می تواند سراغ از یک حرکت وحدت بخش در جبهه معترضین با دیگران باشد.

صدور پیامی از سوی حضرتعالی و یا رهنمودهایی در یک سخنرانی، می تواند حرکت جدیدی که برای وحدت، همدلی، برادری، گذشت و ایثار در جامعه شروع شده را تقویت و استمرار بخشد تا هم کسانی که در جناح های سیاسی اشتباهاتی داشته اند از اشتباه خود برگردند و همکاری با یکدیگر را آغاز کنند و هم از شروع فعالیت افراط گرایان جلوگیری و دشمن کمین کرده را نا امید سازند."

بی شک کسی که شعله ای هر چند کوچک را در گوشه ای از انبار کاه بی اندازد، در فردای آتش سوزی نمی تواند ادعا کند، در جهنم انبار کاه سهم او فقط یک شعله است.

با توجه به اینکه کم کم موسم انتخابات در کشور در حال وزیدن است، باز هم نام چهره های شناخته شده سیاسی برای حضور در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری مطرح می شود.

اما در بین نیروهای اصولگرا دغدغه "تعدد کاندیدها" و آسیب های این اتفاق به نگرانی

برادر محسن جوان دیروز، حالا دکتر محسن ۵۸ ساله شده و در عالم سیاست خود را یک صاحب نظر تمام عیار می داند. شاهد این ادعا سخنرانی ها و مصاحبه های سریالی او پیرامون مسائل جاری کشور است.

محسن رضایی میرقائد، در سال ۱۳۶۰ با حکم امام روح الله بعنوان فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد و مسئولیت وی تا سال ۱۳۷۶ ادامه داشت.

وی بعد از پایان دوران فرماندهی لباس نظامی را از تن خارج و جامه سیاست به تن کرد تا بتواند با رهایی از قیود نظام، بعنوان یک سیاستمدار در فضای سیاسی کشور نقش آفرینی کند.

بعد از مدتی رضایی بعنوان دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شد و همزمان تحصیلات تکمیلی خود را هم ادامه داد، تا اینکه در سال ۱۳۷۹ دکتری اقتصادش را از دانشگاه تهران دریافت کرد.

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام تا بحال دو بار در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کرده تا شانس خود را برای تصاحب کرسی ریاست قوه مجریه بیازماید که هر دو بار موفقیتی برای وی حاصل نشد.

در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری محسن رضایی با شعار دولت عشق وارد صحنه شد، اما با توجه به تعدد کاندیدهای اصولگرا و عدم رغبتی که از سوی مردم به وی مشاهده می شد از ادامه حضور در رقابتهای انصراف داد. در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری رضایی برای دومین بار وارد رقابت های انتخاباتی شد و نقدهای جدی خود را متوجه دولت احمدی نژاد ساخت، اما در نهایت دوباره با بی میلی مردم مواجه شد و توانست کمتر از دو درصد آراء را از آن خود کند.

بعد از اعلام نتایج انتخابات توسط وزیر کشور و اعتراض دو کاندیدای اصلاح طلب محسن رضایی هم بعنوان معترض به نتایج انتخابات در صف دیگر کاندیدها قرار گرفت ولی بعد از مدت کوتاهی از اعتراض صرف نظر کرد.

پس از گذشت مدتی از ماجرای فتنه های سال ۸۸ کم مردم به تحلیل کارنامه شخصیت ها و جریانهای سیاسی در ایام بعد از انتخابات پرداختند و به هر کس متناسب با نوع رفتاری که در ایام فتنه داشت نمره ای می دادند.

از جمله شخصیت هایی که عده ای از مردم به عملکرد او در ایام پس از انتخابات گله و شکایت دارند، محسن رضایی است.

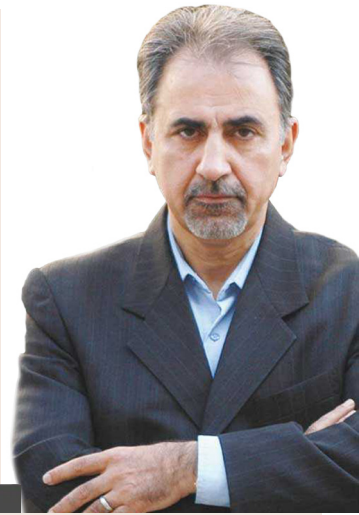
اگر چه دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام بعد از مدتی مسیر خود را از راه موسوی و کروبی جدا کرد، اما این باعث نمی شود کسی از میزان نقش او در آسیب های وارده به کشور بر اثر وقایع پس از انتخابات چشم پوشی کند.

باید از آقای رضایی پرسید جنابعالی با توجه به سابقه طولانی مسئولیتهايتان در انقلاب

اصلی دلسوزان جریان اصولگرایی در این روزها تبدیل شده است و از این رو بیم آن می رود چهره نام آشنای انتخابات های گذشته باز هم سودای حضور در انتخابات را در سر داشته و اینبار هم نامش در لیست کاندیدهای ریاست جمهوری ثبت شود.

ذکر این نکته در شرایط فعلی کشور از آنجایی ضروری به نظر می رسد که اصلاح طلبان جلسات مداوم خود را برای معرفی تنها یک کاندیدای مقبول به طور جد پیگیری کرده و احتمالاً به زودی گزینه نهایی آنها برای کسب آرای احتمالی مردم معرفی خواهد شد اما ظاهراً اصولگرایان شاخص به شدت احساس تکلیف کرده و هر کدام قصد جدی ورود به عرصه یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری را در سر می گذرانند.





"یامن می آیم یا خودم!"

اصلاحات نمرده است!

جامعه از سوی جناح دوم خرداد افزود: «تریبون لازم مثل صداوسیما نداریم. در بین مطبوعات یک یا دو ماهنامه، هفته‌نامه و روزنامه وجود دارد که با مسائل فراوان می‌توانند دیدگاه‌ها و مواضع اصلاح‌طلبان را منتشر کنند. سایر رسانه‌های عمومی، چه صداوسیما به‌عنوان فراگیرترین رسانه و چه رسانه‌های فضای مجازی تمامی در اختیار ما نیست بنابراین امکان ما برای آگاه‌سازی مردم باز نیست.»

ادعای نجفی مبنی بر در اختیار نداشتن رسانه منتسب به اصلاح‌طلبان درحالی صورت می‌گیرد که این جناح با در اختیار داشتن روزنامه‌های متعدد و سایت‌های خبری گوناگون و همچنین مجلات و هفته‌نامه‌های پرشمار، سهم عمده‌ای از جامعه اطلاع‌رسانی کشور را به خود اختصاص داده است.

شاید ایشان فراموش کرده‌اند که عبارت «مطبوعات زنجیره‌ای» برای اولین بار در دوره اصلاحات و در گسترش خلق الساعه جراید اصلاح‌طلب به کار رفت. ذکر این نکته نیز ضروریست که فارغ از وجود بازوهای رسانه‌ای متعدد، جناح دوم خرداد در داخل کشور، همفکران جناح اصلاحات در خارج از کشور نیز امکانات گسترده‌ای برای تبلیغ اندیشه‌ها و نگرش‌های این جریان تدارک دیده‌اند که برشمردن اینگونه رسانه‌ها مجال مفصل می‌طلبد.

عضو حزب کارگزاران سازندگی درباره اینکه چرا اکثریت طرفداران اصلاحات را قشر تکنوکرات تشکیل می‌دهند، اذعان داشت: «اگر شما بتوانید شعار پوپولیستی بدهید، قطعاً افرادی را جذب خود می‌کنید اما به دلیل اینکه شعار پوپولیستی با جوهره و ریشه اصلاح‌طلبی مغایرت دارد، نباید آن را بپذیریم اما برخی ابزارهای دیگر مانند هیات‌های مذهبی وجود دارند؛ چرا آنها نباید با اهداف اصلاح‌طلبان آگاه باشند و ۹۵ درصد آنها در نقطه مقابل

جریان اصولگرا به برخی از این افراد خط می‌دهد چون هدفشان شکستن رای اصلاح‌طلبان است اما می‌توانم بگویم اگر اصلاح‌طلبان به جمع‌بندی برسند و بخواهند در انتخابات حاضر شوند، ۹۵ درصد نیروهای اصلی و شخصیت‌های اصلاح‌طلب بر کاندیدای نهایی توافق خواهند کرد.»

رئیس سازمان منحل برنامه و بودجه همچنین درباره عدم توفیق کاندیداهای اصلاح‌طلبان در انتخابات سالهای ۸۴ و ۸۸ و نیز پیروزی احمدی نژاد گفت: «حقیقت این است که ما اصلاح‌طلبان هنوز نگرانیم که آیا در انتخابات پیش رو، بازهم شعارهای پوپولیستی در بین مردم جذابیت خواهد داشت یا نه. چون بدون شک در سال‌های ۸۴ و ۸۸ بخش عمده‌ای از پیروزی آقای احمدی نژاد ناشی از شعارهای پوپولیستی بود. بنابراین امروز هم یکی از مسائلی که از نظر اجتماعی و از دیدگاه کارشناسی باید مورد بررسی قرار گیرد، این است که آیا هنوز جامعه ما دنبال شعارهای پوپولیستی می‌رود؟ اگر پاسخ مثبت باشد باید نگران و درمورد وظیفه آگاه کردن مردم حساس‌تر بود. در این صورت معتقدم اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات کاندیدا داشته باشند، پیشاپیش بازنده خواهند بود چون ما حاضر نیستیم شعار پوپولیستی بدهیم.»

این گفته در حالی بیان می‌شود که به گواه اکثریت، عوام‌گرا ترین و یا به تعبیر ایشان پوپولیسم ترین دولت تاریخ در ایران را اصلاح‌طلبان در اختیار داشته‌اند. دولتی که با شعارهای عوام‌فریبی همچون آزادی بیان، جامعه مدنی، تساهل و تسامح، مردم‌سالاری، گفتگوی تمدن‌ها و ... بر سر کار آمد و در طول فعالیت ۸ ساله‌اش تماماً عکس و نقیض آنها رفتار کرد.

وی همچنین در زمینه راه‌های اطلاع‌رسانی و نیز آگاه‌سازی

این روزها کمتر جریده و روزنامه و سایت دگراندیشی را می‌توان یافت که درون آن تصویری یا نوشته‌ای درباره پرسابقه‌ترین وزیر آموزش و پرورش نباشد! اخیراً نیز یکی از جراید زنجیره‌ای نزدیک به اصلاح‌طلبان، در گفتگویی مفصل با عنوان نثرگونه "بازکن پنجره را تا که اندیشه‌های خورده" به سراغ محمد علی نجفی رفته است.

اندیشه‌های خورده» به سراغ محمد علی نجفی رفته است. نجفی در ارتباط با دلیل تعلل اصلاح‌طلبان برای معرفی نامزد مدنظرشان می‌گوید: «تاخیر در معرفی کاندیدای نهایی اصلاح‌طلبان شاید سبب بروز مشکلاتی شود اما از سوی دیگر این تاخیر مزایایی هم دارد چراکه مطمئن هستیم به محض مشخص شدن کاندیدای نهایی اصلاح‌طلبان، او مورد حمله برخی جریان‌های رسانه‌ای اصولگرایان قرار خواهد گرفت و قطعاً بخش‌هایی از جریان اصولگرا تمام تلاش خود را بر تخریب کاندیدای اصلاح‌طلبان متمرکز خواهند کرد پس از این جهت اگر کاندیدای اصلی اصلاح‌طلبان دیر معرفی شود، بهتر خواهد بود و از نظر تدبیر سیاسی هم شاید درست، این باشد که کاندیدای خودمان را در اواخر سال معرفی کنیم.»

وی در پاسخ به این پرسش که "اجماع نهایی اصلاح‌طلبان بر روی کدام گزینه خواهد بود؟" اظهار می‌دارد: «امیدوارم اصلاح‌طلبان با یک کاندیدا وارد شوند چون ممکن است افرادی به اسم اصلاح‌طلب وارد شوند و ما نمی‌توانیم جلوی آنها را بگیریم. حتی روشن است

کلیدواژه‌های آشنای «یا من می‌آیم یا ...» را حتماً بخاطر دارید. جمله‌ای که سید خندان اصلاحات مبنی بر خط مشی جناح دوم خرداد برای شرکت در انتخابات دهم ایراد نمود. هم‌اکنون پس از گذشت حدود چهار سال از آن جریان، هنوز هم استراتژی یک بام و دو هوای اصلاح‌طلبان تغییر نکرده و سبک نعل و میخ دگراندیشان همچنان مستدام است.

گمانه‌زنی‌ها درباره کاندیدای متبوع و مورد وثوق اصلاح‌طلبان برای شرکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در حالی صورت می‌گیرد که تاکنون نامی از آستین جناح اصلاح‌گرا بیرون نیامده است!

با این حال تنها نامزد بالقوه و فعال این روزهای جناح چپ کسی نیست بجز "محمدعلی نجفی"! این روزها کمتر جریده و روزنامه و سایت دگراندیشی را می‌توان یافت که درون آن تصویری یا نوشته‌ای درباره پرسابقه‌ترین وزیر آموزش و پرورش نباشد!

به گزارش سرویس سیاسی صراط؛ اخیراً نیز یکی از جراید زنجیره‌ای قریب به اصلاح‌طلبان، در گفتگویی مفصل با عنوان نثرگونه "بازکن پنجره را تا که

اصلاح طلبان صف بندی کنند بنابراین این مسئله مهمی است و باید روی این مسائل کار کرد. اشتباه بزرگ ما در گذشته این بود که به این مراکز کمتر توجه



کردیم. اصولاً بیان ما یک بیان روشنفکری است و مخاطب خود را در بین نخبگان، هنرمندان، تکنوکرات‌ها و دانشگاهیان جست‌وجو می‌کند اما ما باید بتوانیم حرف‌های خودمان را با بیان قابل فهم از سوی عموم مردم و به صورت توده‌ای مطرح کنیم به طوری که مردم هم آگاه شوند ما دنبال چه هستیم و شعارهایمان چیست.»
در همین زمینه نیز اصلاح طلبان باید از خود این سوال را داشته

باشند که کدام عملکرد و رفتار ایشان موجب شده است که قشر مذهبی و مقید جامعه در برخورد با منتسبان به این جناح تا به این حد شدیدالعمل برخورد نمایند؟! اما در همین راستا این شبهه و ابهام نیز مطرح است چگونه است که هم اکنون جناح دگر اندیش و اصلاح گرا از هواخواهان تکنوکراتش دل بریده و به قشر مذهبی و معتقد متمایل شده است؟! گمان می‌رود که اینگونه مواضع در راستای سیاست تقویت مجدد وجهه مردمی اصلاحات و نیز یافتن پایگاه های جدید اجتماعی برای دگراندیشان باشد.

نحفی با تکرار چندباره اینکه راحت طلبی با اصلاح طلبی منافات دارد، گفت: «ما اصلاح طلبیم و نه راحت طلب یعنی ما با اینکه می‌دانیم اداره کشور دردولت بعدی مشکل است و بازکردن گره‌ها وقت و توان می‌خواهد، اگر شرایط مناسب باشد به زیر این بار می‌رویم و مسئولیت می‌پذیریم.»

نحفی در این گفتگو گریزی هم به طرح دولت وحدت ملی زد و اظهار داشت: «یک عده‌ای می‌خواهند بگویند ما هم اصلاح طلب و هم اصولگرا هستیم، ولی اصلاح طلبی و اصولگرایی در مبانی، تفاوت‌هایی باهم دارند که قابل جمع بستن نیستند. البته اصولگرایی به معنای سیاسی امروز آن، مورد نظر بنده است والا اگر به اصل معنای اصولگرایی برگردیم، اصلاح طلبان اصولگراترین گروه‌های سیاسی کشور هستند.»!!!

◀ امید است با احساس مسئولیت و انجام وظیفه در زمینه های گوناگون، بالاخص حوزه حساس فرهنگی، اقدامی موثر در جهت گسترش و اعتلای فرهنگ اسلامی - ایرانی انجام شود.

■ "لاله"، "زندگی خصوصی"، "هدا گالبر"، "یک خانواده محترم" و الی ماشالله؛ تنها بخشی از افتخارات (!) ۴ سال اخیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بشمار می‌رود. اینگونه اقدامات شبهه برانگیز وزارت ارشاد و عملکرد و رویکرد مسأله دار این وزارتخانه در حوزه فرهنگی و همچنین وجود برخی ابهامات مالی در این دستگاه موجب بر این شد که کمیسیون فرهنگی مجلس دست بکار شود.

به گزارش سرویس فرهنگی صراط؛ بر همین اساس طرح بررسی و تحقیق و تفحص از هزینه کرد های جاری وزارت ارشاد در حوزه فرهنگی و هنری، در دستور کار کمیسیون فرهنگی مجلس نهم قرار گرفت.

اما دیروز بود که "لاله افتخاری"، دبیر کمیسیون فرهنگی مجلس در همین رابطه اظهار داشت: «گرچه هزینه کرد بودجه فرهنگی در برخی استان‌ها ابهاماتی داشت اما با توجه به اینکه چند ماه دیگر دولت دهم به پایان می‌رسد، تصمیم گرفتیم با تذکر به استان‌های که عملکرد قابل قبولی ندارد، از تحقیق و تفحص منصرف شویم چراکه اعضای کمیسیون فرهنگی به

تحقیق و تفحص از نحوه هزینه کرد بودجه فرهنگی رضایت ندادند.»!!!

این درحالی است که نماینده مردم تهران در مجلس نهم، دلایل انصراف نمایندگان از تصویب این طرح را تشریح نکرد!

اما آیا بواقع شایسته است که کمیسیون فرهنگی خانه ملت، فقط و فقط بدلیل اینکه "تنها چند ماه دیگر تا پایان دولت

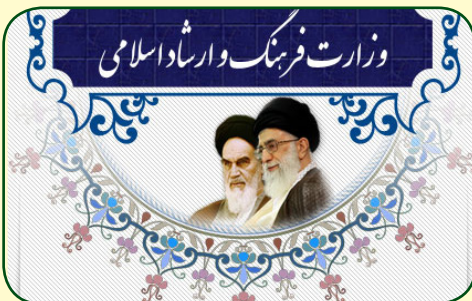
و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چنین آمده است:

"به منظور تحقق اهداف زیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود؛ - رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا. - رواج فرهنگ و هنر اسلامی. - استقلال فرهنگی و مصونیت جامعه از نفوذ فرهنگ اجانب. - و..."

با توجه به متن قانون، سوالاتی در این بین خودنمایی می‌کنند:

- برآستی آیا عملکرد وزارت ارشاد و معاونت سینمایی اش در جهت رشد فضائل و مکارم اخلاقی تعبیر و تفسیر می‌شود؟! - آیا مفاهیم مطروحه در آثار تأیید شده از سوی وزارت ارشاد، تداعی گر فرهنگ و هنر اسلامی است؟! - آیا نظارتی بر نحوه هزینه کرد و میزان دخل و خرج وزارت ارشاد وجود دارد؟! - مع الاسف تا زمانی که مسئولین امر خو را ملزم به مراقبت و نظارت بر اقدامات اینگونه وزارتخانه‌ها نداند، پیوسته شاهد بدتر شدن وضعیت فرهنگی کشور خواهیم بود.

امید است با احساس مسئولیت و انجام وظیفه در زمینه های گوناگون، بالاخص حوزه حساس فرهنگی، اقدامی موثر در جهت گسترش و اعتلای فرهنگ اسلامی - ایرانی انجام شود.



ارشادی برای «وزارت ارشاد»

تحقیق و تفحص از نحوه هزینه کرد بودجه فرهنگی کشور در کمیسیون منتفی شد

دهم زمان باقی مانده است؛ تصویب طرح تحقیق و تفحص از وزارتخانه پر ابهامی همچون ارشاد را از دستور کار خارج کنند؟! در حالی که بیشترین تنش‌ها و ابهامات در عملکرد وزارت ارشاد از ابتدای سال جاری و همزمان با آغاز بکار مجلس نهم و ایضا کمیسیون فرهنگی آن، رخ داده است؛ آیا تصویب چنین طرحی نمی‌توانست مرهمی بر الام منتقدین وضع فرهنگی موجود باشد؟! جهت اطلاع نمایندگان محترم کمیسیون فرهنگی مجلس، در نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با

دومین سالگرد تأسیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی